



The University of Tehran Press

Critical Considerations on the Responsibility of States and International Organizations in connection with the International Wrongful Act of another State or International Organization

Seyed Jamal Seifi¹ | Nasim Zargarinejad²

1. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: sjseifi@dpimail.net
2. Corresponding Author; Student in International Law, Department of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: n.zargarinejad@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Pages: 861-885 Received: 2023/02/26 Received in Revised form: 2023/04/10 Accepted: 2023/06/26 Published online: 2025/06/22 Keywords: <i>International Law Commission, international responsibility, responsibility in connection with the act of States, responsibility in connection with the conduct of international organizations, wrongful act.</i>	The International Law Commission (ILC) has introduced several new articles in the Draft Articles on the Responsibility of International Organizations (Dario), which has resulted in the increase of scenarios in which the exceptional rule of “responsibility in relation to the act of another” person could be applicable. The purpose of the current paper is to explore the effects of broadening the scenarios of responsibility in relation to the act of another person. The study makes the premise that expanding the situations that would fall under this category of responsibility will have an effect on the concept itself but it will not make it any simpler to hold a state or organization responsible for the acts of another. From the theoretical perspective, this paper illustrates how the coherence existed in the Draft Articles on State Responsibility concerning “responsibility in relation to the act of another” person, has been undermined by the introduction of new articles in Dario. Furthermore, given the limited likelihood of application to actual cases, this study contends that the full sections regarding the responsibility in relation to the international wrongful act of another in Dario would not probably generate major practical benefits.
How To Cite	Seifi, Seyed Jamal; Zargarinejad, Nasim (2025). Critical Considerations on the Responsibility of States and International Organizations in connection with the International Wrongful Act of another State or International Organization. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (2), 861-885. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2023.355884.3275
DOI	10.22059/jplsqt.2023.355884.3275
Publisher	The University of Tehran Press.



ملاحظات انتقادی بر مسئولیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی در قبال عمل متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر

سیدجمال سیفی^۱ | نسیم زرگری‌نژاد^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: sjseifi@dpimail.net
 ۲. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: n.zargarinejad@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۸۵۵-۸۶۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: عمل متخلفانه بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت در رابطه با عمل دولت‌ها، مسئولیت در رابطه با رفتار سازمان‌های بین‌المللی	کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، به توسعه قاعده استثنایی «مسئولیت در رابطه با عمل شخص حقوقی دیگر»^۱ با معرفی مواد جدید پرداخته است. در نتیجه این توسعه، تعداد حالت‌هایی که به موجب آن دولت یا سازمان بین‌المللی می‌تواند در رابطه با عمل متخلفانه دیگری مسئول باشد، گسترش یافته است. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آثار ناشی از بسط حالت‌های مختلف قابل تحقق ذیل «مسئولیت در رابطه با عمل متخلفانه دیگری» چه خواهند بود؟ فرض این پژوهش آن است که افزایش حالت‌ها بر نظریه کلی «مسئولیت در رابطه با عمل متخلفانه دیگری» تأثیر خواهد داشت اما امکان عملی مسئول ساختن سازمان‌ها و دولت‌ها را بابت عمل دیگری تسهیل نمی‌کند. یافته‌های این مقاله نشان خواهد داد که در بعد نظری، انسجامی که در طرح مسئولیت دولت در خصوص حالات مختلف مسئولیت در رابطه با عمل متخلفانه دیگری وجود داشت، با تدوین مواد جدید در طرح ۲۰۱۱ از میان رفته است. همچنین در بعد کاربرد عملی، علی‌رغم اختصاص ۹ ماده به این‌گونه مسئولیت در طرح ۲۰۱۱ احتمال استفاده از مواد تدوین شده کمیسیون چندان زیاد به نظر نمی‌رسد و تدوین آنها تفاوتی در عمل ایجاد نکرده است.
استناد	سیفی، سیدجمال؛ زرگری‌نژاد، نسیم (۱۴۰۴). ملاحظات انتقادی بر مسئولیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی در قبال عمل متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۲)، ۸۸۵-۸۶۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.ut.ac.ir.2023.355884.3275
DOI	10.22059/jpls.ut.ac.ir.2023.355884.3275
ناشر	 مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. اشخاص حقوقی در نظام حقوق بین‌الملل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند، زیرا تنها این دو شخص قادر به پذیرش حق و مسئولیت هستند. بنابراین منظور از مسئولیت در رابطه با عمل دیگر شخص حقوقی دیگر، مسئولیت یکی از اشخاص (دولت یا سازمان) نسبت به شخص حقوقی دیگر (دولت یا سازمان) است.

۱. مقدمه

از زمانی که «آنزیلوتی»^۱ در ابتدای قرن بیستم، بنیان یک نظریه کلی مسئولیت بین‌المللی را بنا نهاد، تا دهه‌ها بعد که روبرت آگو، یکی از چندین گزارشگران ویژه طرح مسئولیت دولت، مبنای طرح مسئولیت بین‌المللی کنونی را پایه‌ریزی کرد، حقوق مسئولیت بین‌المللی غالباً بر مبنای دوجانبه‌گرایی^۲ در حال شکل‌گیری و تحول بود^۳ (Aust, 2011: 13-14)؛ یعنی حقوق مسئولیت بین‌المللی اغلب حول محور رابطه دوجانبه دولت زیان‌زننده با دولت آسیب‌دیده می‌چرخید. این دوجانبه‌گرایی، سبب می‌شد که اگر احیاناً سایر دولت‌ها، نقشی در ایجاد آسیب ایفا می‌کردند، حقوق مسئولیت به نقش آنها نپردارد، چون برای مسئول تلقی کردن دولتی که با دولت مباشر همدستی داشت، لازم بود که تعهدی در حقوق بین‌الملل وجود داشته باشد که به صراحت آن دولت را از همدستی با دولت زیان‌زننده باز دارد (Lanovoy, 2016: 23).

از همین روی، زمانی که «روبرت آگو»^۴ ی جوان در دهه ۳۰ میلادی، به تدریس درس گفتار عمومی در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه پرداخت، به صراحت این عقیده را بیان کرد که شیوه‌های مختلف همدستی مانند مشارکت در عمل خطاکارانه یا تحریک به ارتکاب آن که نیازمند مشارکت چندین عامل در یک عمل واحد بود، غیرقابل تسری به حقوق بین‌الملل است (Aust, 2011: 12). پس، روشن است که مفاهیم پیشرفته حقوق داخلی در بحث مسئولیت مدنی اشخاص همچون «مباشرت» و «تسبیب در تلف»^۵ یا مسئولیت کیفری اشخاص چون «مباشرت» و «تسبیب در جنایت»^۶ تا آن زمان به حقوق بین‌الملل هنوز راه نیافته بود.^۷

1. Dionisio Anzilotti

2. Bilateralism

دوجانبه‌گرایی اصطلاحی است که به روابط حقوقی دوجانبه میان دولت‌ها اشاره می‌کند. روابطی که بر مبنای رضایت آنها در مقابل یکدیگر به وجود می‌آید. روشن است که دوجانبه‌گرایی در این معنا، نقطه متقابل تعهدات چندجانبه و تعهدات نسبت به جامعه بین‌المللی است که در سیر تحول حقوق بین‌الملل به وجود آمده‌اند. ر.ک:

Bruno Simma, (1994) "From Bilateralism to Community Interest in International Law" 250 *Recueil des Cours de l'Académie de Droit International*, 250, p. 234.

۳. برای رجوع به خلاصه‌ای از دیدگاه‌های آنزیلوتی به مسئولیت دولت، ر.ک:

Nolte, Georg, From Dionisio Anzilotti to Roberto Ago: The Classical International Law of State Responsibility and the Traditional Primacy of a Bilateral Conception of Inter-State Relations, *European Journal of International Law* 13(5) 2002, pp. 1087-1088.

4. Roberto Ago

۵. تسبیب در نظام مسئولیت مدنی به حالتی می‌گویند که در آن شخص «به‌طور مستقیم مباشر تلف کردن مال نیست»، بلکه او فقط مقدمات تلف کردن را فراهم می‌کند. وقتی که تلف نتیجه همکاری مباشر و مسبب باشد، آنکه نقش مؤثرتری در ورود زیان داشته است، مسئولیت را تحمل می‌کند. بنگرید به متن ماده ۳۳۲ قانون مدنی ایران و نیز:

کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۹-۴۲

۶. در تعریف تسبیب در چارچوب حقوق کیفری ایران ر.ک: ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

۷. مباشرت و تسبیب در چارچوب نظام کیفری بین‌المللی نخستین بار در منشور دادگاه نورنبرگ ظاهر شد، آنجا که مقرر

اما پس از تمامی تحولات حقوق بین الملل در قرن بیستم، مسئولیت بین المللی نیز به جایی رسید که روبرت آگو، دهه ها بعد زمانی که گزارشگر کمیسیون شد، لازم دید که به مسئولیت دولتی که به صورت غیرمستقیم در نقض تعهد بین المللی نقش ایفا می کند نیز بپردازد. در گزارش هفتم خود، آگو اعلام کرد که بی تردید یک دولت در عمل متخلفانه دولت دیگر می تواند به نحوی مشارکت کند که یک رفتار به بیش از یک دولت منتسب شود. او سپس سه شیوه برای این نوع از مشارکت یافت (Lanovoy, 2016: 75). شیوه هایی که او معرفی کرد در نهایت با تغییرات زیادی به سه ماده ۱۶-۱۸ طرح مسئولیت دولت تبدیل شد.^۱

به اعتراف خود کمیسیون، سه ماده ۱۶-۱۸ طرح ۲۰۰۱، حالاتی استثنایی برای مسئولیت یک دولت هستند (ILC, 2001: 65, Para.8). قواعد مسئولیت بین المللی بر این اصل بنیادین بنا نهاده شده اند که نقض هر تعهد بین المللی توسط یک شخص حقوقی بین المللی، مسئولیت خود آن شخص را در پی دارد^۲ (ILC, 2001: 32, Art.1 & ILC, 2011: 52, Art.3). از این اصل در مباحث حقوقی تحت عنوان اصل مسئولیت مستقل^۳ یاد می شود (ILC, 2001: 65, Para.1). اما در این سه ماده، دولت، مسئولیت عمل متخلفانه بین المللی شخص حقوقی بین المللی دیگر را بر عهده می گیرد، بدون آنکه براساس اصل بنیادین مسئولیت، خود عمل متخلفانه را انجام داده باشد. تأکید بر این تفکیک اهمیت بسیار دارد. در مسئولیت مستقل، دولت خود عناصر «عمل متخلفانه بین المللی» را انجام می دهد، یعنی خود، با رفتاری که به او منتسب است، تعهد خود را نقض می کند. اما در مواد ۱۶-۱۸، «عمل متخلفانه بین المللی» و در نتیجه مسئولیت، برای شخص دیگری برقرار می شود، اما دولتی که خود عمل متخلفانه را انجام نداده، نیز دارای مسئولیت می شود. این تفکیک در طرح مسئولیت بین المللی، تا حدودی به مسئولیت مدنی در حقوق داخلی نزدیک می شود: زمانی که مباشر و مسبب، سبب آسیب به فردی می شوند، این مباشر است که به طور مستقیم در حال ارتکاب عمل است، درحالی که مسبب فقط مقدمات ائتلاف را فراهم می کند و خود به طور مستقیم در ارتکاب ضرر نقشی ندارد.^۴

می کرد رهبران، مشوقان و مسببانی که در اجرای یک نقشه مشترک یا توطئه برای ارتکاب جنایات می کوشند، مسئول عمل کسانی خواهند بود که چنین نقشه ای را پیاده می سازند.

۱. برای مطالعه در خصوص تحول در نگاه کمیسیون در خصوص مسئولیت در رابطه با عمل دیگری رک: ستایش پور و حدادی، ۱۳۹۶: ۷۸۰-۷۸۳.

۲. ماده ۱ طرح مسئولیت بین المللی: «هر فعل متخلفانه بین المللی دولت موجب مسئولیت بین المللی آن دولت است. ماده ۳ طرح مسئولیت سازمان های بین المللی: «هر فعل متخلفانه بین المللی سازمان بین المللی، موجب مسئولیت بین المللی آن سازمان است».

3. Independent responsibility

۴. البته نباید تفاوت های مسئولیت بین المللی و مسئولیت از باب مباشرت و تسبیب را نادیده گرفت. در حقوق داخلی، در حالت تسبیب، شخص مسبب در ارتکاب عمل به صورت مستقیم نقشی ندارد، اما در حقوق مسئولیت دولت، دولت

اکنون، در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی حالات استثنایی که در طرح مسئولیت دولت پیش‌بینی شده بود، گسترش یافته است.^۱ در کنار شش ماده‌ای که به همان حالات موجود در طرح مسئولیت دولت می‌پردازند، یعنی «کمک و یاری» موضوع مواد ۱۴ و ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، «کنترل و هدایت»، موضوع مواد ۱۵ و ۵۹ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و «اجبار»، موضوع و مواد ۱۶ و ۶۰ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، کمیسیون دو حالت جدید را نیز پیش‌بینی کرده است. در طرح سازمان‌های بین‌المللی، «گریز از تعهدات بین‌المللی»، موضوع مواد ۱۷ و ۶۱ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و مسئولیت اعضای یک سازمان بین‌المللی، موضوع مواد ۱۸ و ۶۲ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی حالاتی هستند که به موجب آنها می‌توان دولت یا سازمانی را در رابطه با عمل دیگری مسئول شناخت.

درحالی‌که کمیسیون از عبارت مسئولیت «در رابطه» با عمل متخلفانه یک دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر استفاده کرده است، در آثار حقوقی به این نوع از مسئولیت با تعابیر مختلفی یاد شده است. عبارات «انتساب مسئولیت» (Fry, 2014: 98; Kuijper, 2010: 9; d'Aspremont, 2017: 102)، «مسئولیت اشتقاقی»^۲ (Klein, 2010: 309) و «مسئولیت غیرمستقیم»^۳ (Dominicé, 2010: 28; Voulgaris, 2014: 8) از جمله این عبارات است که در آثار نویسندگان برای توصیف چنین مسئولیتی به چشم می‌خورد و البته این عبارات را می‌توان در شرح مواد کمیسیون یا سابقه تدوین آن نیز به‌صورت صریح یا ضمنی یافت. کمیسیون در شرح مواد در خصوص سازمان‌های بین‌المللی، اعلام کرده است که «مانند مواد ۴ تا ۱۱ در مورد مسئولیت دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، مواد ۶ تا ۹ مواد حاضر نیز به انتساب رفتار می‌پردازد نه «انتساب مسئولیت» (ILC, 2011: 53, Para.3) همچنین کمیسیون در شرح مواد در خصوص مسئولیت دولت بیان کرده است که «مسئولیت بابت فصل چهارم به یک معنا اشتقاقی است» (ILC, 2001: 65, Para. 7) و در نهایت سابقه تدوین طرح مسئولیت دولت نشان می‌دهد که روبرت آگو، گزارشگر ویژه‌ای که ابتدا این گونه مسئولیت را به طرح مسئولیت دولت افزود، از عبارت مسئولیت غیرمستقیم استفاده کرده است (ILC, 1979: 26). با توجه به عبارت‌های مختلف استفاده‌شده، به نظر بهتر است از همان عبارتی که کمیسیون برگزیده است، استفاده شود.

هدایت و کنترل‌کننده و دولت یاری و مساعدت‌کننده در ارتکاب عمل نقش دارد.

۱. در خصوص پیشینه تدوین طرح ۲۰۱۱ و روش کار کمیسیون ر.ک: سیفی و زرگری‌نژاد، ۱۴۰۱: ۷۰-۷۳.

2. Derived responsibility or derivative responsibility

شایان ذکر است که در آثار فارسی نیز این اصطلاح «مسئولیت اشتقاقی» استفاده شده است. با این حال در آن آثار در خصوص دلیل انتخاب این اصطلاح و برتری آن نسبت بر سایر اصطلاحات توضیح داده نشده است. ر.ک: ستایش‌پور و حدادی، ۱۳۹۶: ۷۷۲-۷۷۴.

3. Indirect responsibility

با توجه به مطالب مذکور، سؤال اصلی این مقاله آن است که بسط حالات مختلف مسئولیت در رابطه با عمل متخلفانه شخص حقوقی دیگر در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (یا همان طرح ۲۰۱۱) چه آثاری خواهد داشت. در این زمینه، کل ۹ ماده‌ای که کمیسیون در طرح ۲۰۱۱ نگاشته است، چه آنها که با الهام از طرح مسئولیت دولت (طرح ۲۰۰۱) نگاشته شده‌اند، چه آنها که کاملاً جدید هستند و محصول نوآوری کمیسیون در طرح ۲۰۱۱ به حساب می‌آیند، با این نگاه بررسی می‌شود. فرض این پژوهش آن است که معرفی مواد جدید انسجامی را که در طرح مسئولیت دولت میان حالات مختلف مسئولیت در رابطه با عمل دیگری وجود داشت، از میان برده و این قسمت از مسئولیت بین‌المللی را به قسمتی فارغ از انسجام تئوریک تبدیل کرده است. همچنین از نظر تئوریک، رابطه دو طرح ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ در بخش پنجم طرح ۲۰۱۱ به خوبی تبیین نشده است. افزون بر آن، این پژوهش بررسی خواهد کرد که آیا معرفی مواد جدید دست‌کم توانسته است خلأ حقوقی‌ای را برطرف کند که تا پیش از آن در خصوص مسئولیت دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی نسبت به عمل شخص دیگر احساس می‌شد؟ نوشتار حاضر با نگاهی توصیفی-تحلیلی به این مسائل خواهد پرداخت. در این زمینه، بخش اول به پیشینه تدوین مسئولیت در رابطه با عمل دیگری در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت و سپس توسعه این قاعده استثنایی در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد. بخش‌های دوم و سوم به ترتیب به ایرادات نظری و عملی مواد مربوط به این نوع از مسئولیت در طرح ۲۰۱۱ خواهد پرداخت.

۲. تدوین قاعده «مسئولیت در رابطه با عمل شخص حقوقی دیگر» در طرح ۲۰۰۱ و توسعه

قاعده در طرح ۲۰۱۱

مسئولیت در رابطه با عمل دیگری در طرح ۲۰۰۱ به موارد می‌پردازد که دولتی بابت عمل متخلفانه دولت دیگر دارای مسئولیت می‌شود. اما قاعده مسئولیت در رابطه با عمل دیگری در طرح ۲۰۱۱ محدود به مسئولیت سازمان‌ها به دلیل عمل متخلفانه دولت یا سازمان‌های دیگر نیست. طرح مسئولیت ۲۰۱۱ کوشیده است به مواردی نیز بپردازد که در آن دولت‌ها را باید در رابطه با عمل یا رفتار سازمان‌ها مسئول تلقی کرد.

۲.۱. قاعده مسئولیت در رابطه با عمل شخص حقوقی دیگر در طرح ۲۰۰۱

زمانی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در صدد تدوین طرح مسئولیت دولت بود، مشخص بود که قاعده کلی مسئولیت بین‌المللی، یعنی «مسئولیت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی» نمی‌توانست جامع تمامی مواردی باشد که یک شخص حقوقی بین‌المللی را دارای مسئولیت می‌سازد. از این رو آگو، در خلال تدوین طرح مسئولیت دولت، به بررسی مواردی پرداخت که یک دولت می‌تواند بابت «عمل دیگری» دارای مسئولیت

بین‌المللی شود و در نهایت این نوع از مسئولیت در مواد ۱۶ تا ۱۸ طرح مسئولیت دولت تحت عنوان «مسئولیت دولت بابت رفتار دولت دیگر» گنجانده شد.^۱ چنانکه گفته شد، حالات مختلفی که در طرح مسئولیت دولت ذیل این بخش بحث شده است، «کمک و یاری»، «هدایت و کنترل» و «اجبار» است. حالاتی که کمیسیون در دو طرح مسئولیت بین‌المللی تحت قسمت «مسئولیت در رابطه با عمل دولت دیگر» گذاشته است، نشان می‌دهد که برای استناد به این نوع از مسئولیت وجود حداقل سه شخصیت حقوقی شرط است.^۲

(الف) شخصی که تعهد در برابر او بوده است؛

(ب) شخصی که تعهد را نقض کرده است؛ و

(ج) شخصی که مسئولیت عمل دیگری را بر عهده می‌گیرد.

تفاوت این نوع از مسئولیت با حالت مسئولیت مستقیم روشن به نظر می‌رسد در مسئولیت مستقیم، برای استناد مسئولیت به یک دولت، وجود حداقل دو شخص حقوقی لازم است: یکی متخلف و دیگری شخص حقوقی‌ای که طرف آن تعهد بوده است (Nikolaos Voulgaris, 2019: 6).

امر دیگری که در تمامی حالات مختلف این نوع از مسئولیت در طرح مسئولیت دولت مشترک است لزوم وجود یک عنصر ذهنی، «یعنی آگاهی از شرایط» است (سیفی، ۱۴۰۰: ۶۱-۶۲). به تعبیر دپرمون، مسئولیت در رابطه با عمل دیگری، عنصر ذهنی در احراز مسئولیت بین‌المللی را به مسئولیت بین‌المللی معرفی مجدد کرده است، زیرا هیچ‌یک از مواد طرح مسئولیت دولت که ذیل این بخش آمده‌اند، بی‌نیاز از تحقق یک عنصر ذهنی نیستند (d'Aspremont, 2012: 25).^۳

۲.۲. قاعده مسئولیت در رابطه با عمل شخص حقوقی دیگر در طرح ۲۰۱۱

در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، برخلاف طرح مسئولیت دولت، در دو قسمت به مسئله «مسئولیت در رابطه با عمل شخص حقوقی دیگر» پرداخته شده است. فصل چهارم طرح تحت عنوان

۱. در خصوص تحولات این نوع از مسئولیت از پیش‌نویس تهیه‌شده توسط آگو تا طرح نهایی مسئولیت بین‌المللی دولت، ر.ک: Lanovoy, Vladyslav (2016) *Complicity and Its Limits in the Law of International Responsibility. Studies in International Law*, Oxford: Hart Publishing, pp. 138-140.

۲. چنانکه در حقوق داخلی نیز، در مواردی که تلف در نتیجه همکاری مباشر و مسبب است، وجود حداقل سه فرد ضروری است: مباشر، مسبب و شخص آسیب‌دیده.

۳. مقایسه کنید با ارکان تحقق مسئولیت برای مسبب در حقوق داخلی که در آنها وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سبب شرط است. ر.ک: کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار*. ۳۸. همچنین در تفاوت میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در مبحث ورود ضرر به عنوان مبنای مسئولیت بین‌المللی ر.ک: سیفی، سیدجمال، ۱۴۰۱: ۴۰-۴۲.

«مسئولیت یک سازمان بین‌المللی در رابطه با عمل یک دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر»^۱ و بخش پنجم طرح تحت عنوان «مسئولیت یک دولت در رابطه با رفتار یک سازمان بین‌المللی»^۲ دو قسمت مرتبط با این نوع از مسئولیت در طرح ۲۰۱۱ هستند.

مروری اجمالی بر این دو بخش در طرح ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که کمیسیون در عین آنکه بسیار تحت تأثیر طرح مسئولیت دولت است، نوآوری‌هایی داشته که سبب افزایش مصادیق این نوع از مسئولیت شده است. فصل چهارم طرح ۲۰۱۱ تحت عنوان «مسئولیت یک سازمان بین‌المللی در رابطه با عمل یک دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر» همانند سایر بخش‌های طرح مسئولیت ۲۰۱۱ به شدت الهام‌گرفته از طرح مسئولیت دولت است. کمیسیون در شرح مواد بر این مسئله تصریح کرده است که وجود این فصل در طرح ۲۰۱۱ ناسخ مقررات طرح ۲۰۰۱ نیست. در واقع، در حالت‌های مورد بحث ذیل این فصل، «عمل متخلفانه بین‌المللی» توسط دولت انجام می‌شود و مقررات راجع به مسئولیت سازمان‌ها خللی بر مسئولیت دولت‌ها مطابق طرح ۲۰۰۱ نخواهد گذاشت (ILC, 2001: 65, Para. 2).

بخش پنجم از طرح تحت عنوان «مسئولیت یک دولت در ارتباط با رفتار یک سازمان بین‌المللی» مکمل طرح ۲۰۰۱ است، زیرا موضوع این بخش، مسئولیت دولت است نه سازمان‌های بین‌المللی. علت درج این بخش را می‌توان خلاً حقوقی‌ای دانست که طرح مسئولیت دولت در زمینه مسئولیت دولت‌ها در خصوص سازمان‌های بین‌المللی داشت (ILC, 2001: 141, Art. 57).^۳ با این حال، در این قسمت باید اندکی بیشتر بر عبارات کمیسیون تأمل کرد. در فصل چهارم، به نظر مسئولیت سازمان‌ها به دلیل «عمل متخلفانه بین‌المللی» دولت‌هاست؛ یعنی عناصر نقض تعهد و انتساب رفتار برای دولت‌ها احراز می‌شود، اما سازمان‌ها مسئولیت عمل متخلفانه دولت‌ها را یا به همراه دولت‌ها یا به جای آنها متقبل می‌شوند. در مقابل، بخش پنجم در خصوص مسئولیت دولت‌ها به دلیل «رفتار» سازمان‌هاست و این رفتار می‌تواند «عمل متخلفانه» نباشد (ILC, 2011: 96, Para.3). بنابراین روشن نیست که در آن دسته از مقررات بخش پنجم که در آنها شخص حقوقی دیگر مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی نشده است، مسئولیت دولت‌ها از نوع مستقل است یا از نوع غیرمستقل، چون کمیسیون تصریحی بر این مطلب ندارد.

1. Responsibility of an international organization in connection with the act of a State or another international organization

2. Responsibility of a State in connection with the conduct of an international organization

۳. نگاهی به متن مواد ۱۷ طرح مسئولیت دولت و ماده ۵۹ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی خلاً حقوقی‌ای را که در طرح مسئولیت دولت وجود داشت نشان می‌دهد:

ماده ۱۷: «دولتی که ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر را هدایت و کنترل می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئول آن فعل خواهد بود...»

ماده ۵۹: دولتی که ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط سازمان بین‌المللی را هدایت و کنترل می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئول آن فعل خواهد بود...»

۳. ایرادات نظری مسئولیت در زمینه عمل دیگری در طرح سازمان‌های بین‌المللی ۲۰۱۱

همان‌طور که گفته شد، «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» در طرح مسئولیت دولت ۲۰۰۱، فقط شامل سه ماده بود. بسط این مواد در طرح ۲۰۱۱ این پرسش را مطرح می‌کند که معرفی حالات جدید چه تأثیری اولاً بر نظام مسئولیت بین‌المللی و به‌ویژه بر این نوع از مسئولیت خواهد داشت.

۱.۳. عدم انسجام میان حالات مختلف «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری»

در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، میان سه حالت مسئولیت در رابطه با عمل دیگری سه وجه اشتراک وجود دارد:

الف) عمل ارتكابی توسط دولت کمک و یاری‌شونده یا دولت هدایت و کنترل‌شونده یا دولت تحت اجبار، نقض تعهد بین‌المللی آن دولت به حساب آید (ILC, 2001: 66, Para. 6; 68, Para. 6; 70, Para. 6).

ب) دولت کمک و یاری‌کننده یا دولت هدایت و کنترل‌کننده یا دولت اجبارکننده، از شرایط ارتكاب عمل متخلفانه بین‌المللی آگاهی داشته باشد، (شرط آگاهی) (Crawford, 2013: 416)؛
ج) دولت کمک و یاری‌کننده یا دولت هدایت و کنترل‌کننده به تعهد نقض‌شده، خود متعهد باشند^۱ (شرط قابلیت استناد)^۲ (Crawford, 2013: 416).

در حالت‌های جدید مسئولیت بابت عمل دیگری در طرح ۲۰۱۱ این سه اشتراک لزوماً وجود ندارد. اولاً، در حالت «گریز از تعهدات»، شرط «الف» یعنی التزام فاعل واقعی عمل به تعهد نقض‌شده، وجود ندارد. بند ۲ ماده ۱۷ اعلام می‌کند که اگر سازمانی با اتخاذ تصمیمی الزام‌آور برای اعضا یا اعطای مجوز به آنها در نقض تعهد مشارکت کند، «صرف‌نظر از آنکه عمل موردنظر برای دولت یا سازمان بین‌المللی‌ای که تصمیم یا مجوز خطاب به آن صادر شده است، تخلف بین‌المللی به حساب آید یا خیر»، مسئول خواهد شد. همچنین ماده ۶۱ طرح ۲۰۱۱ در خصوص گریز از تعهدات دولت‌های عضو از طریق سازمان اعلام می‌کند که مسئولیت دولت فارغ از این مسئله خواهد بود که آیا عمل ارتكابی برای سازمان یک عمل متخلفانه بین‌المللی است یا خیر. این تغییر رویکرد در خصوص التزام فاعل واقعی (مباشر) به

۱. در این میان، تنها حالت «اجبار» استثناست که در آن لازم نیست دولت اجبارکننده خود به آن عمل متعهد باشد. منطقی مستثنا ساختن اجبار از دو حالت دیگر را می‌توان در کمک به دولت زیان‌دیده در استیفای حق خود دید. چون اصولاً دولتی که عمل را انجام داده است با استناد به فورس مازور از مسئولیت رها می‌شود، دولت زیان‌دیده باید بتواند به دولت اجبارکننده رجوع کند و شرط متعهد بودن اجبارکننده به تعهد نقض‌شده، سبب می‌شود از دولت زیان‌دیده جبران خسارتی انجام نشود (Dominicé, 2010: 289).

2. opposability

تعهد نقض شده، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد. اولاً مبنای مسئولیت بابت عمل دیگری، تحقق مسئولیت برای شخص حقوقی مباشر است. اگر شخص مباشر نتواند به این دلیل که متعهد به تعهد نقض شده نیست، «عمل متخلفانه بین المللی» انجام دهد، دیگر مسئولیتی نیز ندارد که به شخص دیگری قابل انتقال باشد. البته ممکن است گفته شود که در حالت «اجبار» نیز همین است، چون اجبار می تواند سبب از میان رفتن مسئولیت مباشر به دلیل «فورس ماژور» شود. اما در اجبار، مسئولیت برای مباشر به دلیل اجتماع دو عنصر «نقض تعهد» و «انتساب رفتار» محقق می شود و فقط به این دلیل که اجبار مصداق «فورس ماژور» است، شخص مباشر از مسئولیت می گریزد. اما در «گریز از تعهدات» دولت یا سازمان مباشر اساساً ممکن است، مسئولیت نداشته باشند.

دوم، معیار آگاهی در دو ماده ۱۷ و ۶۱ لازم دانسته نشده است و به جای آن به نظر می رسد، خود «گریز از تعهدات» عنصری است که باید به اثبات آن پرداخت. در ماده ۶۱ معیارهای «سوءاستفاده»^۱ و رابطه سببی میان عمل دولت و عمل سازمان لازمه مسئولیت دولت شناخته شده است. همچنین هیچ کدام از معیارهای آگاهی یا سوءاستفاده یا رابطه سببی در ماده ۶۲، در خصوص مسئولیت اعضای سازمان، وجود ندارد.

سوم، درحالی که در تمامی حالات مسئولیت بابت عمل دیگری، هم شخصی که عمل متخلفانه به او منتسب است و هم شخصی که مسئولیت عمل به او منتسب می شود، همراه با هم مسئول اند. در ماده ۶۲ به صراحت بیان شده که مسئولیت دولت های عضو، در برابر سازمان مسئولیتی فرعی است (ILC, 2011: 100, Art. 62(2)).

بنابراین، انسجام ساختاری ای که در طرح مسئولیت دولت در بخش مسئولیت در رابطه با عمل دیگری قابل مشاهده بود، در طرح ۲۰۱۱ از میان رفته است. به ویژه بخش پنجم طرح ۲۰۱۱ که در خصوص انتساب مسئولیت سازمان به دولت است را می توان به قول دپرمون، یک «ترکیب درهم و برهم مفهومی»^۲ از تمامی حالتی دانست که در قالب مفهوم دویخشی مسئولیت مستقیم نمی گنجیدند، اما آنقدر معضل آفرین بودند که در حقوق مسئولیت بین المللی مورد بحث قرار گیرند (d'Aspremont, 2012: 24). به تعبیر دیگر، وجوه اشتراک محسوسی میان مواد بخش پنجم طرح وجود ندارد که بتوان یک نظریه کلی برای مسئولیت در رابطه با رفتار سازمان ها از آن بیرون کشید.

1. "Taking advantage of"

۲. تعبیر دقیق به کاررفته توسط دپرمون عبارت conceptual hotchpotch است.

۳.۲. همپوشانی میان مواد مختلف

رابطه سازمان و دولت‌های عضو همواره منشأ مشکلاتی در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی است، به این سبب که دولت‌ها خود اشخاصی حقوقی‌اند که یک شخص حقوقی دیگر را به وجود می‌آورند و به دلیل عضویت، گاهی خود مجری اعمال سازمان‌ها نیز هستند. اجرای تصمیمات سازمان‌ها توسط دولت‌ها ممکن است به مسئولیت سازمان به دلایل مختلفی منجر شود. یکی از این حالات از باب «انتساب رفتار» است؛ یعنی دولت عضو عملاً ارگان اجرایی سازمان در اجرای تصمیمات سازمان به حساب می‌آید (سیفی و زرگری‌نژاد، ۱۴۰۱: ۸۲-۸۹).

اما اگر شرایط به نحوی نباشد که عملاً دولت‌ها، ارگان اجرایی سازمان به حساب آیند تا اساساً «رفتار» به سازمان منتسب شود، همچنان ممکن است سازمان به دلایلی دیگر مسئول «عمل متخلفانه دولت عضو» مسئول شود. کمیسیون تلاش داشته تا در فصل چهارم به اشکال مختلف چنین مسئولیتی بپردازد. از آنجا که یکی از حالات بارزی که در آن سازمان می‌تواند از دولت‌های عضو برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی استفاده کند، تصمیم الزام‌آور یک سازمان خطاب به دولت‌هاست، کمیسیون ناچار به بحث در خصوص مسئولیت ناشی از اجرای تصمیمات الزام‌آور بود. اما نه موادی که به‌طور مستقیم از طرح مسئولیت دولت رونویسی شدند و نه ماده جدید طرح ۲۰۱۱ نمی‌توانند به روشنی نشان دهند که یک تصمیم الزام‌آور سازمان دقیقاً چگونه برای آن سازمان می‌تواند مسئولیت‌زا باشد. دلیل این مسئله همپوشانی مواد مربوط به «هدایت و کنترل»، «اجبار» و «گریز از تعهدات» است که همگی می‌توانند بر چنین حالتی قابل اعمال باشند. بنابراین، مشکل نظری دوم، مربوط به همپوشانی تمامی موادی است که به «مسئولیت سازمان در رابطه با عمل دیگری» می‌پردازند.

کمیسیون خود در شرح مواد اذعان کرده که این مواد با هم در خصوص تصمیمات الزام‌آور همپوشانی دارند. برای مثال در شرح مربوط به ماده اجبار یعنی ماده ۱۶، کمیسیون اذعان کرده است که میان ماده ۱۷ (گریز از تعهدات) و ماده ۱۶ (اجبار) همپوشانی احتمال دارد:

با توجه به تفاوت در شرایط [وقوع] دو ماده و به‌ویژه آنکه بر اساس ماده ۱۷ عمل ارتكابی یک دولت یا سازمان بین‌المللی عضو لازم نیست برای آن سازمان یا دولت غیرقانونی باشد، همپوشانی [میان دو ماده] فقط جزئی است. یک سازمان بین‌المللی، تا جایی که همپوشانی [میان دو ماده] وجود دارد، می‌تواند یا بابت ماده ۱۶ یا ماده ۱۷ مسئولیت داشته باشد. این همپوشانی به ناسازگاری نخواهد انجامید (ILC, 2011: 68). مشابه همین توضیح را کمیسیون در شرح مواد ۱۵ و ۱۷ نیز داده است، زیرا در شرایط به‌خصوصی ممکن است یک تصمیم الزام‌آور سازمان مصداق هر دو حالت «هدایت و کنترل» و «گریز از تعهدات» شود. در واقع تصمیم الزام‌آوری که نحوه اجرا را هم بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، می‌تواند مصداق هر دو ماده باشد. (ILC, 2011: 67, Para. 4) در شرح ماده ۱۷، کمیسیون چنین توضیح داده است:

«همان‌طور که در تفاسیر مواد ۱۵ و ۱۶ ذکر شد، زمانی که رفتار غیرقانونی است و دیگر شرایط نیز موجودند، احتمال همپوشانی بین موارد مشمول آن دو ماده و ماده ۱۷ وجود دارد. با این حال، اثر این همپوشانی تنها وجود مبناهای جایگزین برای مسئول دانستن یک سازمان بین‌المللی خواهد بود» (ILC, 2011: 69, Para. 6).

بنابراین، استدلال کمیسیون برای آنکه این همپوشانی‌ها مشکل‌زا نخواهد بود، یکی «جزئی» بودن همپوشانی‌هاست و دوم آنکه این همپوشانی‌ها فقط مبانی جایگزین را برای مسئول ساختن سازمان فراهم می‌کنند؛ یعنی یک محکمه بین‌المللی می‌تواند به هر کدام از این مبانی که خواست، استناد ورزد.

اولاً فارغ از آنکه احتمال همپوشانی می‌تواند سبب عدم قطعیت در تصمیم‌گیری برای مرجع رسیدگی شود، به نظر می‌رسد که کمیسیون می‌توانست به جای چندین ماده‌ای که با هم، همپوشانی دارند به تدوین ماده‌ای بپردازد که اختصاصاً به مسئله تصمیم‌های الزام‌آور سازمان‌ها بپردازد. به تعبیر بهتر، کمیسیون باید برای منطقی‌ترین و عملی‌ترین مصداقی که در حال حاضر برای مسئول دانستن سازمان‌ها در رابطه با عمل دیگری وجود دارد، شفاف‌تر عمل می‌کرد و آن را بالقوه مصداق ۳ ماده با شرایط تحقق متفاوت نمی‌داد.^۱

دوم، در کنار این مسئله باید ادعای کمیسیون را نیز راستی‌آزمایی کرد. آیا ادعای جزئی بودن این همپوشانی‌ها صحیح است؟ برای بررسی «جزئی» بودن این همپوشانی لازم است، بررسی شود که آیا تمامی مصداق مربوط به دستورهای الزام‌آور سازمان، در مواد ۱۵ یا ۱۶، الزاماً مصداق ماده ۱۷ بند ۱ نیز است؟ از آنجا که موارد عملی استفاده از اجبار بسیار کم است، در اینجا برای بررسی مطلب تنها به عناصر متشکله مواد ۱۵ و ۱۷ پرداخته خواهد شد. به ظاهر، عناصر متشکله ماده ۱۵ (هدایت و کنترل) و با ماده ۱۷ (گریز از تعهدات) متفاوت است^۲، چراکه هم عنصر ذهنی و هم عنصر مادی میان این مواد، در بادی امر، متفاوت است. در خصوص عنصر ذهنی، اثبات مسئولیت بر اساس ماده ۱۵ نیازمند اثبات «آگاهی» است، حال آنکه برای اثبات مسئولیت وفق ماده ۱۷ اثبات «گریز از تعهد» لازم است.

اما در خصوص عنصر مادی، از نص ماده ۱۵ روشن است که «هدایت و کنترل در ارتکاب» عمل باید واقع شود، یعنی سازمان باید در «ارتکاب» عمل از طریق هدایت و کنترل مشارکت کند نه آنکه صرف هدایت و کنترل به ارتکاب عمل بینجامد. در خصوص تصمیم‌های الزام‌آور، شرح کمیسیون بر ماده ۱۵ روشن کرده است که «تصمیم هیچ‌گونه صلاح‌دید [به دولت عضو] اعطا نمی‌کند». یعنی برای اجرای

۱. برای نظر مخالف ر.ک: ستایش‌پور و حدادی، ۱۳۹۶: ۶۵۰.

«صرف همپوشانی را نمی‌توان ناصواب دانست، زیرا می‌تواند ناشی از بررسی وجوه مختلف عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی حقوق مسئولیت بین‌المللی باشد.»

۲. برای مطالعه در خصوص عناصر متشکله این مواد در فارسی ر.ک: مومنی‌راد و ستایش‌پور، ۱۳۹۸: ۶۴۰-۶۴۵.

تصمیم سازمان، دولت‌ها نمی‌توانند در راستای تبعیت از تصمیم «رفتاری انجام دهد که عمل متخلفانه بین‌المللی نباشد، اما در عین حال تبعیت از تصمیم [سازمان] به حساب آید» (ILC, 2011: 67, Para. 4)، بلکه تصمیم سازمان خود چگونگی اجرا را نیز تعیین می‌کند. اما مطابق ماده ۱۷ بند ۱ عنصر مادی مورد نیاز، فقط اتخاذ تصمیم الزام‌آور است؛ یعنی تصمیم الزام‌آور مطابق ماده ۱۷ ممکن است نحوه اجرا را به صلاحدید دولت‌ها وا بگذارد. این مطلب از شرح کمیسیون نیز برمی‌آید، آنجا که توضیح می‌دهد برای مسئول ساختن یک سازمان مطابق ماده ۱۷، انجام عمل توسط دولت‌ها «پیش‌شرط» نیست؛ یعنی همین که سازمان دستور الزام‌آوری اتخاذ کرد، می‌توان سازمان را بر اساس ماده ۱۷ مسئول دانست چون «انتظار می‌رود که اعضا از تصمیم سازمان تبعیت کنند» (ILC, 2011: 68, Para. 8).

همچنین بند ۳ ماده ۱۷ مواردی را در دایره شمول ماده می‌گنجاند که خارج از دایره شمول ماده ۱۵ هستند. مطابق بند ۳، اهمیتی ندارد که عملی که دولت در راستای تبعیت از تصمیم سازمان انجام می‌دهد برای آن دولت «عمل متخلفانه» باشد (ILC, 2011: 68)، جدا از آنکه این بند با منطق مسئولیت «در رابطه با عمل متخلفانه دیگری» همخوانی ندارد و از این رو از این بعد قابل نقد است، اما به نظر مواردی را تحت شمول ماده ۱۷ می‌آورد که به هیچ روی تحت شمول ماده ۱۵ نیست. از این منظر می‌توان با کمیسیون همراه شد که همپوشانی مواد ۱۵ و ۱۷ از نوع کامل نیست و وجود یکی از مواد، تدوین دیگری را بی‌معنی نکرده است (Voulgaris, 2014: 37).

۳.۳. رابطه دورانی میان دو طرح مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

مشکل نظری سوم، در خصوص بخش پنجم از طرح ۲۰۱۱ است که به مسئولیت دولت در قبال رفتار سازمان بین‌المللی می‌پردازد. این بخش که به نظر درصدد از میان بردن خلأ قانونی موجود در طرح ۲۰۰۱ بود^۱، نتوانسته است این معضل را به‌خوبی حل کند. مواد ۵۸ و ۵۹ طرح ۲۰۱۱ که به‌ترتیب به «کمک و یاری» و «هدایت و کنترل» یک دولت به سازمان بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌پردازند، عمل دولت عضو آن سازمان را که مطابق قواعد سازمان انجام شده باشد، از دایره شمول خود مستثنا می‌کنند. بدین ترتیب دولت زیان‌دیده، دیگر نمی‌تواند به مسئولیت دولت عضو سازمان از باب «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» و با توسل به این دو ماده استناد کند، اما همچنان می‌تواند به مسئولیت آن دولت از باب مسئولیت مستقیم و مستقل بر اساس طرح ۲۰۰۱ استناد جوید (Crawford, 2013: 411).

۱. ماده ۵۷ طرح مسئولیت دولت، مسئله مسئولیت دولت در ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی را از دایره شمول طرح خارج کرد. این مسئله سبب خلأ حقوقی در این خصوص شد.

از این رو استثنای مندرج در بند ۲ مواد ۵۸ به جای سلب مسئولیت از دولت‌های عضو، آنها را با مسئولیت بیشتری مواجه کرده است. برای مثال برخی از دولت‌های اروپایی که تحت لوای اتحادیه اروپایی در عملیات «نیروهای دریایی اتحادیه اروپایی در سوماتی-آتلانتیک»^۱ علیه دزدی دریایی در سوماتی فعالیت می‌کنند، اگر در راستای فعالیت خود کنوانسیون حقوق دریاهای را نقض کنند، دارای مسئولیت بر اساس طرح ۲۰۱۱ نیستند، اما بابت نقض کنوانسیون می‌توان آنها را طبق طرح ۲۰۰۱ مسئول دانست (Feldtmann, 2012: 845-846). یعنی با توجه به استثنای مندرج در بند ۲ ماده ۵۹ به نظر چنین دولتی مسئولیت بین‌المللی بابت «کمک و یاری» مسئولیتی نخواهد داشت، اما بابت «نقض» کنوانسیون حقوق دریاهای همچنان مسئول خواهد بود.

به همین ترتیب، طرح مسئولیت در شرح ماده ۵۹ اعلام می‌کند عمل دولت عضو که در راستای قواعد سازمان باشد، سبب مسئولیت آن دولت بابت هدایت و کنترل سازمان نخواهد شد (ILC, 2011: 98, Para. 4). مفهوم مخالف این توضیح می‌تواند وجود مسئولیت بین‌المللی مستقیم برای آن دولت باشد؛ امری که می‌توان با مثال به‌خوبی توضیح داد. در قضیه «اجرای موافقت‌نامه» نزد دیوان بین‌المللی دادگستری میان جمهوری یوگسلاو مقدونیه سابق و یونان (ICJ Rep, 2011) دو دولت مذکور تحت نظارت سازمان ملل متحد یک معاهده دوجانبه به نام موافقت‌نامه موقت امضا کرده بودند که مطابق آن یونان نباید به درخواست یا عضویت جمهوری یوگسلاو مقدونیه سابق در سازمان‌های بین‌المللی که یونان عضو آن بود، اعتراض می‌کرد. اما موضع یونان نشان می‌داد که با دعوت‌نامه برای عضویت جمهوری یوگسلاو مقدونیه سابق در ناتو مخالف است و چنین دعوت‌نامه‌ای تنها با اتفاق آرا ممکن است به یک دولت ارسال شود. بنابراین، این لزوم اتفاق آرا به یونان قدرت هدایت و کنترل ناتو را در این زمینه می‌داد (ICJ Rep, 2011, Para. 80).

در این قضیه به نظر اگر دیوان می‌خواست بر اساس منطق بند ۲ ماده ۵۹ رفتار کند، باید یونان را بابت رفتاری که در چارچوب قواعد ناتو انجام داده بود، مسئول نمی‌شناخت. اما رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به‌وضوح نشان می‌دهد که دیوان بین مسئولیت دولت در قبال رفتار سازمان بین‌المللی و مسئولیت بابت رفتار خود تمایز قائل می‌شود. از نظر دیوان، ادعای جمهوری یوگسلاو مقدونیه سابق علیه یونان بر اساس نقض تعهد خود آن دولت بر اساس آن موافقت‌نامه دوجانبه است در چارچوب سازمان نه به دلیل تصمیمی که ناتو در قبال یونان گرفته است. دیوان، ادعای خواهان را چنین خلاصه کرده است: «دیوان توجه دارد که خواهان رفتار خوانده را در دوره زمانی پیش از تصمیم، پس از پایان نشست بخارست مورد شکایت قرار داده است و موضوع شکایت آن خود تصمیم نیست. موضوع در برابر دیوان

1. European Union Naval Force (EU NAVFOR) Somalia- Operation ATALANTA

این مسئله نیست که آیا تصمیم ناتو می‌تواند به خوانده منتسب شود یا خیر، بلکه آیا خوانده موافقت‌نامه را در نتیجه رفتار خود نقض کرده است؟» (ICJ Rep, 2011, Para. 42). بنابراین ملاحظه می‌شود که یک دولت را می‌توان بابت رفتاری که در چارچوب یک سازمان انجام می‌دهد، به دلیل رفتار خود دولت همچنان مسئول تلقی کرد.

۴. کاربرد قاعده «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» نزد محاکم بین‌المللی، تعارض

قاعده شکلی صلاحیت محاکم بین‌المللی با قواعد ثانویه مسئولیت

نیک روشن است که هدف تدوین قوانین، پاسخ به نیازی در جامعه است. قوانین مسئولیت نیز برای پاسخ به این نیاز تدوین می‌شوند که تکالیف افرادی که حقوق دیگران را زیر پا گذاشته‌اند از نظر قانونی روشن شود. به همین سبب، تلاش کمیسیون برای تدوین بخش‌های مرتبط با «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» در طرح ۲۰۱۱ و اختصاص ۹ ماده به این موضوع را می‌توان از منظر نیاز عملی جامعه بین‌المللی نیز ارزیابی کرد. به عبارت دیگر، سؤال اساسی آن است که آیا قسمت‌های مربوط به این‌گونه مسئولیت در طرح ۲۰۱۱ را در عمل می‌توان به کار برد؟

پاسخ در صورتی مثبت خواهد بود که در عمل بتوان با استفاده از مواد طرح ۲۰۱۱ سازمان‌ها را به دلیل این نوع از مسئول در جامعه بین‌المللی پاسخگو کرد.

با توجه به مقدمات مذکور، در این بخش تلاش می‌شود که میزان استفاده عملی موادی که کمیسیون در طرح ۲۰۱۱ در خصوص «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» تدوین کرده است، بررسی شود. به نظر، از آنجا که محاکم بین‌المللی زیادی^۱ به سازمان‌ها اجازه نمی‌دهند که طرف دعوا قرار گیرند، چه فصل چهارم طرح ۲۰۱۱ (مسئولیت سازمان در رابطه با عمل دولت) و چه بخش پنجم آن (مسئولیت دولت در رابطه با رفتار سازمان) چندان مورد استفاده نخواهد بود. به جای آن، هر گاه بتوان بر اساس اصل مسئولیت مستقل، دولت را بابت عمل مسئول شناخت، محاکم بین‌المللی با استفاده از همان اصل دولت

۱. البته تعداد معدودی از سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به اساسنامه تعداد معدودی از محاکم بین‌المللی بپیوندند و در نتیجه در آن محاکم طرف دعوا قرار گیرند. یکی از آن سازمان‌های معدود اتحادیه اروپایی است. از سوی دیگر، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای و نهاد حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی سازمان تجارت جهانی از محاکمی هستند که سازمان‌ها را به عنوان طرف دعوا می‌پذیرند. برای مثال بنگرید به قضایای مطروحه نزد آن محاکم که اتحادیه اروپایی طرف دعوا قرار گرفته است:

Case concerning the Conservation and Sustainable Exploitation of Swordfish Stocks in the South-Eastern Pacific Ocean (Chile/European Union), ITLOS, available at: <https://www.itlos.org/en/main/cases/list-of-cases/case-no-7/> & *Patent Protection of Pharmaceutical Products (European Communities v. Canada)*, WTO, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds114_e.htm.

را مسئول می‌شناسند و وارد بحث «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» نمی‌شوند. در این بخش، ابتدا بحث صلاحیت محاکم بین‌المللی و تأثیر آن بر دعاوی ناشی از «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» و سپس با تکیه بر مواد طرح ۲۰۱۱ و نیز رویه قضایی موجود بررسی خواهد شد که آیا مباحث مربوط به مسئولیت سازمان در رابطه با عمل دولت و مسئولیت دولت در رابطه با عمل سازمان در عمل مورد استفاده خواهد بود؟

۴.۱. عدم صلاحیت محاکم بین‌المللی نسبت به اعمال سازمان‌های بین‌المللی

در تمامی حالت‌های «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری»، تعهد از طریق مشارکت دو یا چند شخص حقوقی بین‌المللی نقض می‌شود. برای مثال اتحادیه اروپا، در واکنش به حمله روسیه به اوکراین، با تصمیمی الزام‌آور در قالب تحریم‌های بین‌المللی، اعضای خود را وادار به نقض تعهدات تجاری بین‌المللی خود در مقابل روسیه می‌کند. در این مثال، اتحادیه اروپا به دلیل «مسئولیت در رابطه با عمل اعضا»^۱ که تصمیماتش را اجرا کرده‌اند و دولت‌های عضو به دلیل اجرای تصمیم از باب «انتساب رفتار» پاسخگو خواهند بود.^۲ بنابراین شخص زیان‌دیده (در مثال فوق، روسیه)، می‌تواند به مسئولیت هریک از اشخاص درگیر، خواه مسئولیت شخصی ناقض تعهد (در مثال فوق، دولت‌های مجری تحریم‌ها) خواه مسئولیت انتسابی شخص دیگر (در مثال فوق، اتحادیه اروپا) در محاکم بین‌المللی استناد کند. البته اصل بر آن است که دولت زیان‌دیده نمی‌تواند بیشتر از زبانی که دیده است از اشخاص مسئول مطالبه خسارت کند (ILC, 2001: 124, art. 47(2)(a), ILC, 2011: 88, art. 48(3)(a)).^۳ بنابراین، اگر تنها علیه اتحادیه اروپا طرح دعوا کرد و خسارت خود را از آن سازمان گرفت، دیگر حق استناد به مسئولیت دولت‌های مجری تحریم‌ها را ندارد.

اما از آنجا که شخص زیان‌دیده نمی‌تواند اختلاف خود را به محاکمی ببرد که خواننده دعوا رضایت به صلاحیت آن نداده است، اصولاً به مسئولیت همان شخصی استناد خواهد کرد که محکمه بین‌المللی نسبت به او دارای صلاحیت باشد. فرضاً در مثال مذکور، اگر اتحادیه اروپا عضو سازمان تجارت جهانی نبود، روسیه می‌توانست از دولت‌های مجری تحریم‌ها در نهاد حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی سازمان تجارت جهانی

۱. مثال فوق با الهام از تحریم‌های اخیر اتحادیه اروپا علیه روسیه نگاشته شده است. البته اتحادیه اروپا مدعی است که چنین

تحریمی نقض حقوق بین‌الملل نبوده و در نتیجه مسئولیت‌زا نیست. ر.ک: European Commission, 2021

۲. ماده ۶۲ طرح مسئولیت ۲۰۱۱ در این خصوص یک استثناست. این ماده به مسئولیت دولت عضو به دلیل پذیرش مسئولیت سازمان یا اجازه به دولت زیان‌دیده برای استناد به مسئولیت آن دولت می‌پردازد. این نوع از مسئولیت مطابق نص ماده «فرعی» است.

شکایت کند. در این مواقع، محاکم بین‌المللی تنها در صورتی دعوا را مسموع خواهند دانست که بتوانند بدون اظهارنظر در خصوص حقوق و تکالیف شخصی که رضایت به صلاحیت آنها نداده است، به دعوا رسیدگی کنند (ICJ Rep, 1954: 32, ICJ Rep, 1996, Paras. 24 & 28; Pomson, 2019: 104-108). از این قاعده به «اصل مسکوکات طلا»^۱ در حقوق بین‌الملل یاد می‌کنند. دیوان سپس در قضیه «تیمور شرقی» برای نخستین بار اصل مسکوکات طلا را اعمال کرد. در این قضیه، دیوان متوجه شد که نمی‌تواند به بررسی اختلاف پرتغال علیه استرالیا بپردازد، بدون آنکه بر حقوق اندونزی به‌عنوان دولتی که رضایت به رسیدگی دیوان نداده است، تأثیر نگذارد.^۲ برای جلوگیری از اعمال این اصل و در نتیجه غیرقابل استماع شدن اختلاف، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نائورو راهکاری ارائه کرد. در این قضیه، استرالیا به‌عنوان خواننده دعوا به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری اعتراض داشت. از دیدگاه استرالیا، چون منشأ اختلاف در آن قضیه مسئولیت بابت اداره سرزمین نائورو بود و این اداره بر عهده سه دولت استرالیا، نیوزیلند و بریتانیا قرار داشت، دیوان قادر به بررسی مسئولیت استرالیا بدون بررسی مسئولیت آن دو دولت نبود. دیوان این استدلال را نپذیرفت، چون از نظر دیوان بررسی تعهدات دو دولت غایب پیش‌شرط رسیدگی به مسئولیت استرالیا نبود (ICJ Rep, 1999: Para.55). به تعبیر دیگر، دیوان قادر بود تا مسئولیت استرالیا را به‌صورت مستقل از مسئولیت دو دولت دیگر بررسی کند.

پس، از آنجا که در تمامی حالات «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» چند شخص بین‌المللی در واقعه روی داده مشارکت دارند، چنانچه شخص زیان‌دیده تنها علیه یکی از اشخاص مسئول طرح دعوا کند، دادگاه علی‌الاصول تنها در صورتی می‌تواند به پرونده رسیدگی کند که مجبور به بررسی مسئولیت شخصی نباشد که رضایت به صلاحیت دادگاه نداده است. برای مثال در برخی از حالاتی که تحت مسئولیت در رابطه با عمل دیگری می‌گنجد، چنان رفتار دو شخص که در نقض تعهد مشارکت دارند، به هم گره خورده است که دادگاه بین‌المللی به‌سادگی نمی‌تواند بدون بررسی مسئولیت شخصی که رضایت به صلاحیت نداده است، به مسئولیت دولتی بپردازد که مبنای صلاحیتی نسبت به او وجود دارد. کمیسیون در شرح ماده ۱۶ در طرح ۲۰۰۱ به این نکته توجه داشته است. مطابق توضیحات کمیسیون،

1. Monetary Gold Principle

۲. استدلال دیوان در آن قضیه به شرح ذیل است: «رفتار استرالیا را نمی‌توان بدون ورود به این سؤال ارزیابی کرد که چرا اندونزی به‌طور قانونی نمی‌توانست معاهده [با استرالیا بر سر تیمور شرقی] را منعقد کند، در گویی پرتغال باید صلاح به انعقاد این معاهده می‌بوده است، [پس] موضوع تصمیم دیوان لزوماً تعیین این است که آیا با توجه به شرایطی که اندونزی وارد تیمور شرقی شده و در آن باقی مانده است، آیا می‌توانست یا نمی‌توانست قدرت انعقاد معاهدات مربوط به تیمور شرقی را به‌دست آورد یا خیر... دیوان نمی‌تواند در غیاب اندونزی چنین تصمیمی بگیرد».

East Timor (Portugal v. Australia), Judgment, ICJ. Reports 1995, Para. 28.

مسئولیت دولت کمک و یاری کننده زمانی محقق می شود که دولت کمک و یاری شونده مرتکب عمل متخلفانه بین المللی شود (ILC, 2001: 67, Para. 11.) پس، اگر دولت کمک و یاری شونده رضایت به صلاحیت یک دادگاه بین المللی نداشته باشد، دادگاه بین المللی نمی تواند بدون بررسی و اثبات متخلفانه بودن عمل آن دولت، به مسئولیت دولت کمک و یاری کننده بپردازد.

از آنجا که مبنای اصل مسکوکات طلا، رضایت اشخاص به صلاحیت محاکم بین المللی است، این اصل اصولاً باید در خصوص سازمان های بین المللی ای که رضایت به صلاحیت ندارند هم اعمال شود؛ یعنی اگر فرضاً دولتی به دلیل تصمیم الزام آور یک سازمان، حقوق دولت دیگر را نقض کند، محکمه صالح به رسیدگی تنها در صورتی می توان به مسئولیت دولت مجری تصمیم رسیدگی کند که بتواند بدون اظهارنظر در خصوص مسئولیت سازمان قضیه را فیصله دهد. واضح است که چون سازمان های بین المللی «قابلیت اعطای صلاحیت» به بسیاری از محاکم را ندارند، زمانی که بحث مسئولیت سازمان و دولت همزمان مطرح است، دادگاه باید تنها در محدوده صلاحیت خود، یعنی در خصوص مسئولیت دولت رأی صادر کند. در نتیجه، مقرراتی که کمیسیون در خصوص مسئولیت در رابطه با عمل دیگری تدوین کرده است، در عمل سبب مسئولیت سازمان ها نخواهد شد.

۲.۴. کاربرد عملی مسئولیت سازمان ها در رابطه با عمل متخلفانه دولت ها

مشکل صلاحیت دادگاه، سبب می شود که دولت های عضو بابت مسئولیت مستقیم خود در برابر شخص زیان دیده، مسئول شناخته شوند و مسئولیت سازمان در رابطه با عمل دولت عملاً محلی از اجرا نداشته باشد. کمیسیون در شرح طرح ۲۰۱۱ خود تصریح دارد که موضوع مسئولیت در رابطه با عمل دیگری در برخی دعاوی بین المللی طرح شده، اما به دلیل مشکل صلاحیت موضوعی دادگاه، این موضوع از دایره

۱. رویه قضایی به نظر نشان می دهد که امکان استفاده از اصل مسکوکات طلا در خصوص سازمان های بین المللی وجود دارد. در قضیه «قرار موقت» نزد دیوان بین المللی دادگستری، دیوان اصل مسکوکات طلا را نسبت به سازمان ناتو قابل اعمال ندانست. دلیلی که دیوان برای رد این اصل آورد، نشان می دهد که اصل مسکوکات طلا نسبت به سازمان های بین المللی نیز قابل اعمال است. دیوان در این قضیه اعلام کرد که موضوع اختلاف حقوق و تکالیف ناتو نیست، بنابراین اصل مسکوکات طلا محلی از اعراب ندارد. مفهوم مخالف این استدلال آن است که اگر موضوع اختلاف حقوق و تکالیف یک سازمان باشد، این اصل قابل اعمال است.

Palchetti, P. (2017). Litigating Member State Responsibility: The Monetary Gold Principle and the Protection of Absent Organizations. In *The Law of International Responsibility*, edited by James Crawford, Alain Pellet, Simon Olleson, and Kate Parlett: Oxford, Oxford University Press, p.188.

۲. برای نمونه ماده ۳۴ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری تنها به دولت ها اجازه طرح دعوا با دولت دیگر را در آن دیوان را می دهد.

بررسی آن محاکم بین‌المللی در نهایت حذف شده است (ILC, 2011: 65, Para. 4)، نمونه‌ای از مثال‌های کمیسیون پرونده «بسر»^۱ است. در این قضیه، ایرلند هواپیمای اجاره‌شده شرکت هواپیمایی بسفر از یوگسلاوی را در کشور خود توقیف و علت توقیف را مقررات اتحادیه اروپا (به عبارت بهتر، تحریم‌های اتحادیه) علیه یوگسلاوی اعلام کرد. البته خود این مقررات اتحادیه بر مبنای قطعنامه شورای امنیت وضع شده بود.^۲ شرکت هواپیمایی بسفر تنها از ایرلند نزد دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد، چون در آن زمان شکایت از اتحادیه اروپا نزد دیوان اروپایی حقوق بشر ممکن نبود. بنابراین، محدودیت صلاحیت موضوعی دیوان بر مسئول شناخته شدن اتحادیه اروپا تأثیر ملموسی گذاشت. دیوان حتی ادعای دولت خوانده مبنی بر آنکه اتحادیه اروپایی مسئول نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است را نپذیرفت، چون از نظر دیوان رعایت تعهدات ناشی از عضویت در اتحادیه نمی‌تواند دولت‌ها را از تعهدات قراردادی‌شان وفق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برهاند. بنابراین، دولت‌ها مسئول رعایت تعهدات قراردادی خود باقی هستند^۳ (ECTHR, 2005: Para. 122).

به همین ترتیب، بررسی رویه قضایی در تمامی مواردی که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به دلیل اجرای تصمیم‌های الزام‌آور اتحادیه نزد دیوان اروپایی حقوق بشر ظاهر شده‌اند، نشان می‌دهد که آن دیوان فقط مسئولیت مستقیم دولت‌های عضو سازمان‌های بین‌المللی را احراز کرده و به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی چه از باب مسئولیت مستقیم آن سازمان‌ها چه از باب مسئولیت «در رابطه با عمل دولت‌ها» نپرداخته است.

در قضایای «کادی»^۴ و «نادا»^۵ نیز که مربوط به اجرای تحریم‌های شورای امنیت توسط دولت‌های عضو بود، همین قضیه قابل مشاهده است. در قضیه کادی، دیوان دادگستری جوامع اروپایی به این نتیجه رسید که اگرچه مرجع قضایی جامعه نمی‌تواند قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت را بررسی کند، اما اجازه دارد اقدامات دولت‌های عضو اتحادیه را که در جهت اجرای آن قطعنامه‌ها صورت گرفته است، بازنگری کند (The European Court of Justice (ECJ), 2008, Para. 52 & 74). در قضیه نادا به همین ترتیب، دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی اقدامات دولت سوئیس پرداخت که در راستای

1. *Bosphorus Hava Yollari Turizm v. Ireland*

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص این قضیه در آثار فارسی ر.ک: قدیرلی و حسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۰: ۳۵۴-۳۵۶.

البته باید افزود که نام این قضیه در مقاله فوق به جای قضیه «بسر»، قضیه «بسفروس» نامیده شده است.

۳. به نظر کمیسیون این پرونده مصداقی برای مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و هم مسئولیت دولت‌های عضو به شمار آورده است. به همین سبب، نام این پرونده در هر دو قسمت آمده است.

4. *Yassin Abdullah Kadi and Al Barakaat International Foundation v. Council of the European Union and Commission of the European Communities*, Joined Cases C-402/05 P and C-415/05 P, 2008.

5. *Nada v Switzerland*, (Application no. 10593/08), 2012.

تحریم‌های شورای امنیت انجام شده و سبب نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شده بود. دیوان در این قضیه بر این مسئله تمرکز کرد که آیا قطعنامه شورای امنیت دست سوئیس را در نحوه اجرا باز می‌گذاشته است یا نحوه اجرا نیز از پیش به صورت الزام‌آور تعیین شده بود (ECTHR, 2012, paras. 178-180). با اتخاذ این رویکرد، دیوان توانست به راحتی عمل دولت عضو را از تصمیم الزام‌آور سازمان جدا کند و به مسئولیت دولت عضو بپردازد. بنابراین مشاهده می‌شود که در هیچ‌یک از این قضایا اصل مسکوکات طلا قابل اعمال نیست. به همین ترتیب، اصلاً نیازی به بررسی مسئولیت سازمان‌ها نیز وجود نداشته است.

۳.۴. کاربرد عملی مسئولیت دولت در رابطه با عمل/رفتار سازمان‌های بین‌المللی

گفته شد که بخش پنجم از طرح ۲۰۱۱ دچار آشفتگی درونی است. این بخش، تنها به مسئولیت دولت‌ها «در رابطه با عمل سازمان‌های بین‌المللی» نمی‌پردازد، بلکه به مسئولیت آنها در رابطه با رفتارهایی که ممکن است نقض تعهد نباشند نیز می‌پردازد. از بعد نظری، در حالتی که دولت‌ها مسئولیت «عمل متخلفانه سازمان» را تحمل می‌کنند، به نظر نمی‌توان به سادگی مسئولیت دولت‌ها را از سازمان‌ها جدا کرد، زیرا عمل متخلفانه را در واقع سازمان انجام می‌دهد و وقوع عمل متخلفانه باید برای مسئول تلقی کردن دولت‌ها احراز شود. در غیر این صورت، اصلاً مسئولیت «در رابطه با عمل دیگری» معنا نخواهد داشت. اما محدود مواردی که در آنها سازمان بین‌المللی «نقض تعهد» به معنای اخص کلمه نکرده است، چون اساساً به آن تعهد پایبند نیست، به نظر دادگاه می‌تواند به سادگی رفتار سازمان را ارزیابی کند، بدون آنکه بر حقوق سازمانی که رضایت به صلاحیتش نداشته است اثری بگذارد.

اما در خصوص استفاده عملی بخش پنجم طرح ۲۰۱۱ در قضایای واقعی، برخلاف قسمت پیشین نمی‌توان بهره‌چندانی از رویه قضایی برد. کمیسیون در کل قسمت پنجم از طرح ۲۰۱۱ تنها به سه رأی در شرح ماده گریز از تعهدات اشاره دارد که در آن سه مثال هم در نهایت دولت‌ها بابت مسئولیت مستقل خود و نه مسئولیت «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» پاسخگو تلقی شده‌اند. از این حیث، این مثال‌ها، مصداق‌های موجهی برای حالت «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» نیستند. در هر سه پرونده که در ذیل بررسی می‌شود، دولت‌های خوانده مدعی بودند که چون صلاحیت خود را به سازمانی دیگر منتقل کرده‌اند، از بابت نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مسئولیت ندارند. پس اساساً موضوع پرونده‌ها مسئولیت یا عدم مسئولیت مستقل دولت‌هاست و نه مسئولیت در رابطه با عمل دیگری. در پاسخ به آنها دیوان اروپایی حقوق بشر در هر سه پرونده اعلام کرده است که آن دولت‌ها بابت نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رأساً مسئول‌اند و به مسئولیت سازمان‌هایی که مسئولیت آنها محل نزاع بوده، نپرداخته است.

۱. برای مثال مطابق مواد ۶۰ (اجبار) و ۶۱ (گریز از تعهدات) طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، لازم نیست که سازمان تحت اجبار یا سازمانی که از طریق آن یک دولت از تعهدات خود گریخته است، خود طرف تعهد نقض شده باشد.

نخستین پرونده، قضیه «ویت و کندی در مقابل آلمان»^۱ با موضوع شکایت خواهان‌ها از تصمیم یک دادگاه آلمانی برای حفظ مصونیت آژانس فضایی اروپاست. دیوان اروپایی حقوق بشر در این قضیه اعلام کرد با هدف و موضوع کنوانسیون سازگار نیست که دولت‌های متعاهد کنوانسیون، سازمان بین‌المللی تأسیس کنند و سپس از مسئولیت خود در مقابل کنوانسیون، در حوزه فعالیت‌های آن سازمان‌ها، معاف باشند (ECTHR, 1999: Para. 67). آنچه از این قضیه می‌توان متوجه شد، از بین نرفتن صلاحیت دولت‌های اروپایی در حوزه‌هایی است که صلاحیت خود را به یک سازمان منتقل می‌کنند. طبیعتاً هیچ بخشی از این استدلال دیوان به مسئله مسئولیت در زمینه عمل سازمان یا مسئولیت بابت گریز از تعهدات به معنی اخص کلمه اشاره نمی‌کند. دولت‌ها بابت نقض کنوانسیونی که بدان متعهد شده‌اند و از باب مسئولیت مستقل مسئولیت دارند نه از باب گریز از تعهدات.

دو رأی دیگری که کمیسیون در شرح مواد به آنها اتکا کرده است، قضایای شرکت بسفر در مقابل ایرلند و «گاسپارینی در مقابل ایتالیا و بلژیک»^۲ است که به دلیل همین مشکل مصداقی از مسئولیت در رابطه با عمل دیگری نیستند (ILC, 2011: 99).

در قضیه «بسفر» که پیش از این شرح آن رفت، دیوان اروپایی حقوق بشر چنین استدلال کرد: «سلب کامل مسئولیت دولت‌های متعاهد از کنوانسیون در حوزه‌هایی که تحت پوشش انتقال [صلاحیت] است، با هدف و موضوع کنوانسیون ناسازگار خواهد بود... دولت‌ها مسئولیت خود را نسبت به کنوانسیون، نسبت به تعهدات معاهداتی‌ای که بعد از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون بدان متعهد شده‌اند، حفظ می‌کنند» (ECHTR, 2005, Para. 154).

بنابراین، به نظر، دیوان اروپایی حقوق بشر بر این باور است که انتقال صلاحیت‌ها به یک سازمان نمی‌تواند «حسن‌نیت» بر انجام تعهدات موجود دولت‌ها را تحت شعاع قرار دهد. اما «مسئول باقی ماندن» وفق کنوانسیون یک امر است، مسئولیت بابت گریز از تعهد (موضوع ماده ۶۱) امری دیگر.

به همین ترتیب، قضیه «گاسپارینی» نیز به مسئولیت اولیه دولت‌ها اشاره دارد نه مسئولیت آنها بابت عمل سازمانی که عضو آن هستند. این پرونده راجع به یک اختلاف بین سازمان ناتو و کارکنان بود. شاکی پرونده، آقای گاسپارینی، کارمند ناتو مدعی بود که ناتو تضمین‌های کافی به کارمندان جهت حفظ حقوقشان وفق ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (دادرسی عادلانه) را نمی‌دهد و دولت‌های عضو خوانده، یعنی ایتالیا و بلژیک، پس از الحاق به این سازمان بین‌المللی از این موضوع آگاه بودند. این شکایت از این مسئله ناشی شده بود که سازمان ناتو تصمیم به افزایش نرخ مشارکت کارکنان به حقوق بازنشستگی گرفته بود که در نتیجه از حقوق خواهان میزان بیشتری برای بازنشستگی او کسر می‌شد. خواهان از این تصمیم به دادگاه

1. Waite and Kennedy v. Germany

2. Gasparini v. Italy and Belgium

داخلی ناتو، هیأت تجدیدنظر^۱، شکایت کرد که موفقیت‌آمیز نبود. خواهان سپس نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر آمد با این ادعا که دادگاه داخلی ناتو مطابق با تضمین‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبنی بر دادرسی عادلانه عمل نمی‌کند، از جمله آنکه دادگاه به صورت عمومی برگزار نمی‌شود و اعضای هیأت تجدیدنظر بی‌طرف نیستند (7: 2009, ECTHR). بنابراین، دادگاه اروپایی حقوق بشر باید تعیین می‌کرد که آیا نقض در قواعد دادگاه‌های داخلی ناتو به دولت‌های خوانده منتسب است تا آنها بابت نقض کنوانسیون مسئول شناخته شوند. دیوان وظیفه ارزیابی خود را بدین نحو تشریح کرد:

«دیوان در واقع باید تعیین کند که آیا در زمانی که آنها [خواندگان] به ناتو پیوستند و برخی از اختیارات مستقل را به آن منتقل کردند، کشورهای خوانده می‌توانستند با حسن نیت بررسی کنند که مکانیسم حل و فصل اختلافات کاری که در داخل ناتو است، در تضاد آشکار با مفاد کنوانسیون نباشد» (7: 2009, ECTHR).

قضایای مذکور نشان می‌دهد که هنوز رویه قضایی برای مسئولیت دولت در رابطه با عمل متخلفانه سازمان وجود ندارد تا بتوان با قطعیت گفت که آیا محاکم بین‌المللی می‌توانند عمل سازمان و دولت را از هم تفکیک کنند و فقط به مسئولیت دولت بپردازند یا خیر. اما، با این حال با توجه به آنکه در این حالت از مسئولیت «عمل متخلفانه» سازمان باید ابتدا اثبات شود، امکان تفکیک عملی مسئولیت دولت از سازمان اصولاً وجود ندارد و نمی‌توان به مسئولیت دولت‌ها بدون احراز مسئولیت سازمان‌ها پرداخت. از آنجا که محاکم اندکی صلاحیت بررسی اقدامات سازمان‌های بین‌المللی را دارند، به نظر بخش پنجم طرح ۲۰۱۱ چندان در عمل مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

۵. نتیجه

مسئولیت «در رابطه با عمل دیگری» در طرح مسئولیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی، قاعده‌ای استثنایی است که مطابق آن دولت یا سازمان مسئول لازم نیست که خود عمل متخلفانه بین‌المللی انجام دهد، بلکه مسئولیت عمل شخص دیگر را تحمل می‌کند. این قاعده استثنایی در چارچوب طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی توسعه یافته است و مواد جدیدی به حالات مختلف مسئولیت در رابطه با عمل دیگری در طرح ۲۰۱۱ افزوده شده‌اند. بررسی‌های این مقاله نشان داد که این حالات جدید در طرح ۲۰۱۱ انسجامی را که میان شیوه‌های «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» در طرح ۲۰۰۱ وجود داشت از میان برده‌اند. در واقع دیگر وجه اشتراک مشخصی میان حالت‌های مختلفی که ذیل بخش «مسئولیت در رابطه با عمل دیگری» قرار گرفته‌اند، مشاهده نمی‌شود.

1. the Appeals Board

همچنین نتایج نشان داد که این بها، در مقابل دستاورد عملی کمی حاصل شده است. از آنجا که محاکم بین‌المللی اندکی می‌توانند به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی رسیدگی کنند، عدم صلاحیت آنها سبب خواهد شد تا دولت‌های زیان‌دیده نتوانند سازمان‌ها را از باب این نوع از مسئولیت به محکمه بین‌المللی بکشانند. در نتیجه دولت‌های عضو که رفتار متخلفانه به آنها منتسب است، همواره از بابت مسئولیت مستقل پاسخگو خواهند بود و طرح ۲۰۱۱ نتوانسته است به‌صورت واقعی به پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی در عرصه حقوق بین‌الملل کمکی کند. بنابراین، اگر سازمانی بتواند دولت‌ها را با یک تصمیم الزام‌آور وادار به نقض تعهدات بین‌المللی کند، فقط مجری اعمال، یعنی دولت‌ها را می‌توان به محاکمه کشاند و مسئولیت آن را احراز کرد. مسئولیت همیشگی دولت‌های عضو در این مواقع، آنها را در منگنه میان نقض تعهد بین‌المللی (و در نتیجه خطر پذیرش مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن) و نقض تعهدات خود نسبت به سازمان (از طریق عدم همکاری با سازمان) قرار خواهند داد.

در مواقعی که دولت‌ها در رابطه با عمل متخلفانه سازمان‌ها باید مسئول باشند، هنوز رویه قضایی وجود ندارد تا بتوان کاربرد عملی این مواد را سنجید. در واقع، رویه قضایی بسیار اندکی که مورد استناد کمیسیون به‌هنگام تدوین این بخش بوده است، به نظر کاملاً بی‌ارتباط با بحث مسئولیت در رابطه با عمل دیگری می‌کند و نمی‌تواند شاهی بر کاربرد عملی این قسمت از طرح ۲۰۱۱ باشد. در بعد نظری، آنچه مسلم می‌نماید عدم امکان تفکیک مسئولیت سازمان و دولت در مرحله ارزیابی مسئولیت دولت‌هاست. از آنجا که مسئولیت دولت‌ها مطابق این مواد در غالب مواقع به عمل متخلفانه سازمان‌ها پیوند می‌خورد، بدون احراز آنکه سازمان «عمل متخلفانه» انجام داده است، نمی‌توان دولتی را مسئول تلقی کرد. بنابراین، چون سازمان‌های بین‌المللی را نمی‌توان به محاکم زیادی کشاند، این بخش از طرح ۲۰۱۱ نیز در عمل چندان مورد استفاده واقع نخواهد شد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۳). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. چ دوم، تهران: شهر دانش.
۲. سیفی، سیدجمال (۱۴۰۱). *حقوق مسئولیت بین‌المللی: گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت*. تهران: شهر دانش.
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی*. چ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب) مقالات

۴. سیفی، سیدجمال؛ زرگری نژاد، نسیم (۱۴۰۱). ملاحظات انتقادی بر یکسان‌انگاری ارکان تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۲۵(۹۸)، ۶۹-۹۴.
۵. ستایش‌پور، محمد؛ حدادی، مهدی (۱۳۹۶). کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷(۳)، ۷۷۱-۷۹۵.
۶. مومنی‌راد، احمد؛ ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۸). دامنه مفهومی مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۹۴(۳)، ۶۳۵-۶۵۵.
۷. قدیرلی، نرگس؛ حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۴۰۰). دکترین «حمایت برابر» تنزل در اصل «تفکیک» در نظام مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها. *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۲(۷)، ۳۴۶-۳۷۳.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Crawford, J. (2013). *State Responsibility: The General Part*. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Lanovoy, V. (2016). *Complicity and Its Limits in the Law of International Responsibility. Studies in International Law*, Oxford: Hart Publishing.
3. Voulgaris, N. (2019). *Allocating International Responsibility between Member States and International Organisations*. Oxford: Hart Publishing.

B) Articles

4. d'Aspremont, J. (2012). The Articles on the Responsibility of International Organizations: Magnifying the Fissures in the Law of International Responsibility, *International Organizations Law Review*, 9(1), 25-113.
5. d'Aspremont, J. (2017). International Responsibility and the Constitution of Power: International Organizations Bolstered. In *International Organizations and Member State Responsibility*, edited by Ana Sofia Barros, Cedric Ryngaert, and Jan Wouters: Leiden, Brill/Nijhoff, 95-113.
6. Dominice, C. (2010). Attribution of Conduct to Multiple States and the Implication of a State in the Act of another State. In *The Law of International Responsibility*, edited by James Crawford, Alain Pellet, Simon Olleson, and Kate Parlett: Oxford, Oxford University Press, 281-291.
7. Fry J. (2014). Attribution of Responsibility. In *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, edited by André Nollkaemper and Ilias Plakokefalos, Cambridge University Press, 98 – 133.
8. Klein, P. (2010). The Attribution of Acts to International Organizations. In *The Law of International Responsibility*, edited by James Crawford, Alain Pellet, Simon Olleson, and Kate Parlett: Oxford, Oxford University Press, 297-317.
9. Kuijper, P. J. (2010). Amsterdam Center for International Law Introduction to the Symposium on Responsibility of International Organizations and of (Member) States: Attributed or Direct Responsibility or Both. *International Organizations Law Review*, 7

- (1), 9–33.
10. Nolte, G. 2002. From Dioniso Anzilotti to Roberto Ago: The Classical International Law of State Responsibility and the Traditional Primacy of a Bilateral Conception of Inter-State Relations, *European Journal of International Law*, 13(5), 1083-1098.
 11. Palchetti, P. (2017). Litigating Member State Responsibility: The Monetary Gold Principle and the Protection of Absent Organizations. In *The Law of International Responsibility*, edited by James Crawford, Alain Pellet, Simon Olleson, and Kate Parlett: Oxford, Oxford University Press, 178–192.
 12. Pomson O. (2019). Does the Monetary Gold Principle Apply to International Courts and Tribunals Generally? *Journal of International Dispute Settlement*, 10(1), 88–125.
 13. Simma, B. (1994). From Bilateralism to Community Interest in International Law *Recueil des Cours de l'Académie de Droit International*, 250, 295-430.
 14. Voulgaris, N. (2014). Rethinking Indirect Responsibility, *International Organizations Law Review*, 11(1), 5-52.

C) Documents

15. ILC (2011). *Draft Articles on Responsibility of International Organizations with commentaries*, A/66/10.
16. ILC, *ILC Draft Articles on International Responsibility of States with commentaries*. A/56/10.

D) Case law

17. *Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia)*, Preliminary Objections, Judgment, ICJ. Reports 1992
18. *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia)*, Judgment, ICJ. Reports 2015.
19. *Application of the Interim Accord of 13 September 1995 (the former Yugoslav Republic of Macedonia v. Greece)*, Judgment of 5 December 2011, ICJ. Reports 2011
20. *Bosphorus Hava Yolları Turizm ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland*, Application no. 45036/98,30, ECTHR, June 2005
21. *Gasparini v Italy and Belgium*, App. No. 10750/03, Admissibility Decision, ECTHR, 12 May 2009
22. *Waite and Kennedy v Germany*, App No 26083/94, ECTHR, 18 February 1999

E) Website

23. European Commission (2022). Statement by Executive Vice-President Dombrovskis on EU Decision to Stop Treating Russia as a Most-Favoured-Nation at the WTO, https://ec.europa.eu/commission/commissioners/2019-2024/dombrovskis/announcements/statement-executive-vice-president-dombrovskis-eu-decision-0_en.